



# من اشتباه می‌کنم، پس هستم!

نوشته شده است: «speak up» که در آن سه معنای مهم نهفته است: «حرف زدن»، «بلند و بدون خجالت حرف زدن» و «حرف خود را زدن». در حقیقت این عبارت تلاش می‌کند تا به زبان‌آموزان گوشزد کند که برای تقویت مکالمه، باید بدون اضطراب، خجالت و ترس از مسخره شدن، سخن گفت.

چون درصد خطا در درس‌هایی مانند ریاضیات، فیزیک، شیمی و زبان زیاد است، ترس از اشتباه و اضطراب از واکنش معلم - به ویژه معلمان سخت‌گیر - یکی از دلایل اصلی پیشرفت نکردن برخی از افراد در این درس‌هاست. به طوری که برخی از دانش‌آموزان ممکن است این ترس و دلهره را حتی تا دوران بزرگسالی نیز به همراه خود داشته باشند و هیچ‌گاه در آن درس، پیشرفت چشمگیری نداشته باشند. این موضوع در آموزش زبان بیشتر در بخش شفاهی مشاهده می‌شود و ممکن است همین نگرانی و اضطراب سبب شود تا دانش‌آموزان مزبور در مهارت گفتاری هیچ‌گاه به سطح مطلوبی نرسند. این اضطراب در بخش شفاهی آزمون‌های مهمی مانند دکترا، آیلتس و تافل که در آینده داوطلب بسیار مؤثر هستند، تأثیر منفی بیشتری دارد.

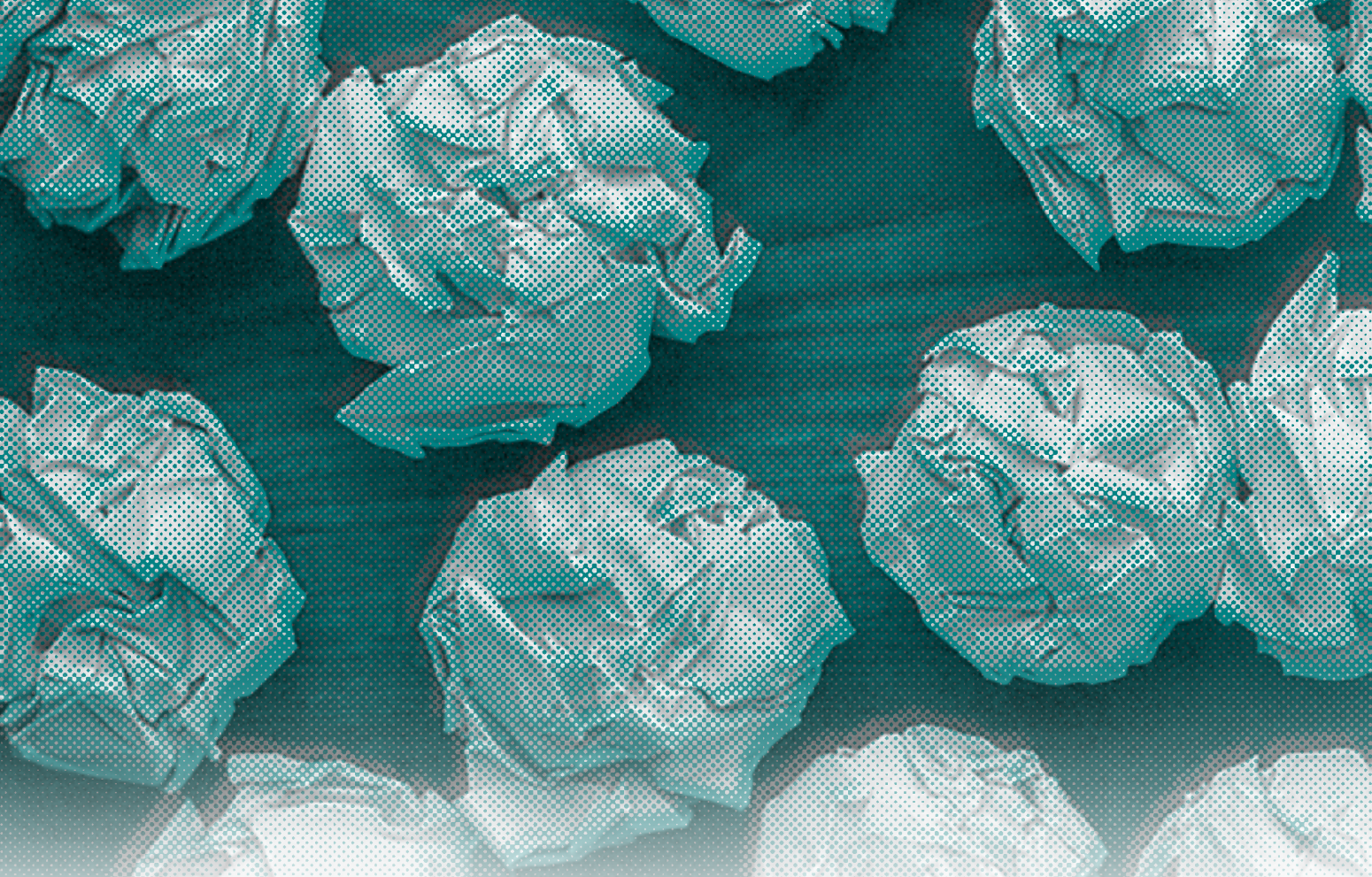
علاوه بر شیوه درست تصحیح خطا، انجام به موقع آن - یعنی اینکه چه وقت این کار را حتماً انجام دهیم و چه موقع آن را به تعویق بیندازیم - نیز مهم است. ضمناً توجه به تعداد خطاها و میزان تذکر نیز اهمیت دارد. به این معنی که اگر تعداد خطاهای زبان‌آموزی زیاد بود، بهتر است برخی از آن‌ها را گوشزد نکنیم، یا گوشزد کردن آن‌ها را به زمانی دیگر موکول کنیم. چون

گرچه آموزش زبان فرایندی پیچیده و چندبعدی است که مؤلفه‌های زیادی در آن دخالت دارند، اما مهم‌ترین ارکان آن آموزش‌دهنده و یادگیرنده هستند و آنچه که تأثیر زیادی بر فرایند آموزش زبان دارد، نحوه تعامل و ارتباط بین این دو رکن است. از طرف دیگر، در کنار مفاهیم دشوار و نظریه‌های کهنه و نوبی که وجود دارند، نکات دیگری هم هستند که شاید به خاطر سادگی ظاهری، مغفول می‌مانند و یا به آن‌ها توجه کافی نمی‌شود. یکی از این نکات «اشتباه کردن» است.

حتماً شنیده‌اید که می‌گویند: «انسان جایز الخطاست!» و یا «دیکتۀ نانوشته، غلط ندارد!» جمله اول به این نکته اشاره دارد که شما نمی‌توانید انسانی را به غیر از معصومین، پیدا کنید که در زندگی‌اش اشتباه نکرده باشد و اساساً «اشتباه کردن» در ذات بشر نهفته است. جمله دوم هم بر «تلاش کردن» انسان تأکید دارد و اینکه تلاش کردن همراه با اشتباه، بهتر از این است که اصلاً تلاش نکنیم؛ چون هر اشتباهی می‌تواند مقدمه یادگیری باشد.

تصحیح خطاها و نحوه انجام آن، یکی از مسائل سهل و ممتنع در آموزش زبان است که انجام درست و به موقع آن سبب می‌شود، زبان‌آموز بدون احساس رنجش و دلسرد شدن، مهارت‌های نوشتاری و گفتاری خود را بهبود بخشد و انجام نادرست و نابهنگام آن، می‌تواند زبان‌آموز را از یادگیری زبان ناامید و نسبت به زبان و معلم زبان بدبین کند.

از سوی دیگر شاید دیده باشید که در برخی کلاس‌های زبان، رو به روی زبان‌آموزان کاغذ یا تابلویی نصب شده که روی آن



اصطلاح «آزمون و خطا» (trial and error) نیز به اهمیت «آزمودن» و «آزمایش» اشاره دارد و اینکه از آزمودن و آزموده شدن نباید هراسی داشته باشیم که اگر غیر از این بود و کاشفان و مخترعان هم از آزمایش هراس داشتند و یا با اولین خطا، دلسرد می‌شدند و شکست را می‌پذیرفتند، بسیاری از اکتشاف‌ها و اختراعات رخ نمی‌دادند. در نتیجه می‌توان گفت که «شکست» نیز مانند «اشتباه»، جزئی از زندگی انسان است.

گرچه آموزش مجازی به دلیل حضوری و رودررو نبودن آموزش، بخشی از این اضطراب و ترس را کاهش می‌دهد، اما از طرف دیگر، مشکلات سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و نبود تسلط کافی بر فناوری مورد نیاز، اضطراب و دلهره را افزایش می‌دهد. این نکته‌ای است که به خصوص در نسل‌های قدیم و میانی بیشتر از نسل جدید مشاهده می‌شود. زیرا کاربران نسل‌های قدیم و میانی انطباق لازم را با این گونه فناوری‌ها ندارند. این اضطراب در آزمون‌های مجازی پیش از جلسه‌های کلاسی خودنمایی می‌کند، چون اساساً هر نوع ارزشیابی با دلهره و اضطراب همراه است. بنابراین ضروری است که آزمون‌های مجازی به شکلی طراحی و اجرا شوند که هم فرصت تقلب را از دانش‌آموزان بگیرند و هم میزان اضطراب آنان را به حداقل برسانند.

فراموش نکنیم که بنیان یادگیری بر اشتباه نهاده شده است و دروازه «اکتشاف»، «اشتباه» است. از این رو، نحوه برخورد معلمان با اشتباه‌های دانش‌آموزان و چگونگی ارائه بازخورد به آن‌ها در ایجاد انگیزه و تقویت یادگیری آن‌ها بسیار تأثیر دارد.

تذکر دادن تمامی خطاها در مدت زمانی کوتاه، هم دانش‌آموز را دلسرد می‌کند و هم سبب می‌شود که او نتواند روی تمامی خطاها به اندازه کافی تمرکز کند و میزان یادگیری را کاهش می‌دهد.

توجه به تفاوت میان «error» و «mistake» در تصحیح خطاها نیز یکی دیگر از نکاتی است که هنگام تدریس زبان اهمیت دارد. هر چند که در زبان فارسی غالباً فرق چندانی بین این دو گذاشته نمی‌شود، اما می‌توان در زبان فارسی برای مورد اول، معادل «خطا» و برای مورد دوم، معادل «اشتباه» را قرار داد. غالباً گفته می‌شود که خطا به دلیل نداشتن دانش لازم و کافی در مورد یک موضوع رخ می‌دهد و در نوشته‌های رسمی بیشتر به دستگاه‌ها، رایانه‌ها و یا انسان هنگام کار با این دستگاه‌ها، نسبت داده می‌شود. بنابراین، خطا به خاطر ناآگاهی رخ می‌دهد.

از دیگر سو، اشتباه هنگامی اتفاق می‌افتد که فرد به رغم داشتن آگاهی و دانش لازم، از روی حواس‌پرتی، خستگی، اضطراب، عجله، شرایط محیطی و ... مرتکب آن می‌شود. از این رو، وجود هر کدام از این موارد و افزایش یا کاهش آن‌ها به خودی خود، بر میزان اشتباه دانش‌آموزان تأثیر دارد.

این نگرانی و اضطراب به نحو جالبی در عبارت «float a trial balloon»<sup>۱</sup>، به معنی «مزه دهن کسی را چشیدن» نیز پنهان است؛ چرا که ما وقتی از واکنش فرد یا افرادی در مورد مسئله‌ای مطمئن نیستیم، ابتدا بخشی از مقصود خود را که خطر کمتری دارد - آن هم در لفافه و به طور آزمایشی - می‌گوییم و بعد در صورت گرفتن بازخوردهای مثبت، اصل آن را به طور آشکار مطرح می‌کنیم.